



قاچاق کاناپه

نسخه قاچاق فیلم «کاناپه»، ساخته کیانوش عیاری منتشر شد. خبر آنلاین ضمن اعلام این خبر نوشت، نسخه‌ای از فیلم کیانوش عیاری که به دلیل استفاده از کلاه گیس توقیف شده بود، منتشر شد و این فیلم را هم باید به جمع فیلم‌هایی که بدون آکران رسمی قاچاق شده‌اند، اضافه کرد. کیانوش عیاری در حالی «کاناپه» را در سال ۱۳۹۵ مقابل دوربین برد که هنوز حواشی عدم آکران فیلم قبلی او؛ «خانه پدری» در جریان بود. «کاناپه» روایت زندگی دو خوانواده است که می‌خواهند با هم وصلت کنند، اما در نهایت یک کاناپه باعث ایجاد مشکلاتی در زندگی آن‌ها می‌شود. در این فیلم بازیگرانی چون فرهاد آیش، ابوالفضل پورعرب و بابک حمیدیان ایفای نقش کرده‌اند. «کاناپه» در زمان ساخت، برای نمایش به سی‌وینجمن جشنواره فیلم فجر ارائه شده بود. اتفاقی که رخ نداد و محمد حیدری، دبیر جشنواره در مورد آن گفت، برای این فیلم باید شورای پروانه نمایش و شورای عالی نظارت تصمیم بگیرند و از اختیار ما خارج است.



رکوردهای جشنواره برلین

جشنواره بین‌المللی فیلم برلین ۲۰۲۵ از فروش ۳۳۶ هزار بلیت خبر داده است که بالاترین میزان در تاریخ ۷۵ دوره این رویداد محسوب می‌شود. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، تعداد بلیت‌های فروخته‌شده اندکی از رکورد قبلی در سال ۲۰۱۶ که ۳۳۵/۹۸۶ بلیت بود، فراتر رفته است، هر چند ارقام دقیق هنوز اعلام نشده‌اند. همچنین میزان فروش در بخش Berlinale Goes Kiez که فیلم‌های جشنواره را در سینماهای محلی برلین نمایش می‌دهد، هنوز گزارش نشده است. آمار فروش امسال همچنین نسبت به دوره ۲۰۲۴ که ۳۲۹/۵۰۲ بلیت به فروش رفته بود، افزایش یافته است. تعداد فعالان حرفه‌ای عرصه سینما که در این دوره جشنواره شرکت داشتند، اندکی کاهش داشته و از ۱۹/۹۶۸ نفر در سال ۲۰۲۴ به ۱۹/۰۰۰ نفر رسیده است. هفتاد و پنجمین دوره برلیناله شامل حدود هزار نمایش عمومی، ۳۴۰ جلسه گفت‌وگوی حضوری و پرسش و پاسخ با عوامل فیلم‌ها بود.



حذف کتابفروشان از نمایشگاه

بر اساس مصوبه شورای سیاست‌گذاری سی‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران، کتابفروشان در این دوره نمایشگاه حضور نخواهند داشت. تسنیم ضمن اعلام این خبر نوشت، در دوره اخیر نمایشگاه کتاب تهران، کتابفروشان با حضور در سامانه مجازی نمایشگاه کتاب تهران، آثار خود را عرضه کردند. از این رو اعضای شورای سیاست‌گذاری با رأی اکثریت اعضا، حذف کتابفروشان از سی‌وینجمن دوره نمایشگاه را به تصویب رساندند. همچنین قرار است ناشران هم به صورت فیزیکی، هم مجازی در سی‌وینجمن نمایشگاه کتاب تهران حضور داشته باشند. سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به گفته ابراهیم حیدری سخنگو و قائم مقام این رویداد، از هفدهم تا بیست و هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در مصلای امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد. اعضای شورای سیاست‌گذاری سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را محسن جواد، ابراهیم حیدری، ایوب دهقانکار، ناصر افشارپور، آزاده نظر بلندی، ابراهیم کریمی، هومان حسن پور، محمد حمزه‌زاده، یحیی دهقانی، نادر قدیانی، احد رضایی، علی اصغر محمدخانی، امین عارف‌نیا، مسعود کرابسیان و علیرضاتابش تشکیل می‌دهند.

نقد در بستر تفنن

ایده ایرانشهری سید جواد طباطبایی ربطی به فاشیسم ندارد



محسن محمودی

پژوهشگر فلسفه و علوم سیاسی

هنگامی که رئیس‌جمهور پیشکین روز ۲۴ بهمن ماه در دیدار با فعالان اقتصادی استان بوشهر گفت: «قرار است اجازه بگیریم در سران بنشینیم، صحبت کنیم که هر استانی برای خودش یک رئیس‌جمهور داشته باشد»، یکبار دیگر ایده کاربست «فدرالیسم» در ایران توجهات را به خود جلب کرد. البته این ایده ناپسند ناپخته، سابقه‌دار است اما تفاوت در این بود که این بار از زبان رئیس قوه مجریه و نفر دوم کشور گفته شده بود. موافقان فدرالیسم به هر چیزی حتی کاربرد اصطلاح «ممالک

محروسه ایران» در دوران قاجار متوسل می‌شوند تا به این ایده جنبه تاریخی بدهند. البته در این جا کاری به نقد این ایده ندارم که بسیار در نقد آن نوشته شده است. مسئله اصلی در این جاست که مانند عهد ماضی، بلافاصله مخالفان ایده فدرالیسم به هواخواهی از فاشیسم متمم شدند. حتی همین یک‌ماه پیش نیز که ایده انتقال پایتخت مطرح شد، برخی، مخالفان انتقال پایتخت را نیز موافق تمرکزگرایی و فاشیسم قلمداد کردند. اما سرچشمه این ایده چندان پنهان نیست و نیازی به تبارشناسی ویژه‌ای ندارد: «مخالفان کلیت نظریات و ایده‌های دکتر جواد طباطبایی به ویژه ایده ایرانشهری، فاشیسم را مناسب‌ترین سنگر یافته‌اند و آن را بسیار به‌گرافه خرج می‌کنند.» در حقیقت هر جانی از تاریخ، فلسفه، سنت، ادبیات، خط، زبان و به‌طور کلی هر دانش‌واژه مرتبط با ایران به میان می‌آید، آن‌ها با لقه فاشیسم سروکله‌شان پیدا می‌شود.

چکیده استدلال آنها برقراری این همانی بین سه نظریه متضاد است. برای نمونه، ناصر فکوهی می‌نویسد: «... بیابیم سه نمونه از ملی‌گرایی‌های منطقه‌ای جهان سومی را با هم مقایسه کنیم: پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم. هر سه این نمونه‌ها بر یک «گذشته افتخارآمیز»، «یک امپراتوری بزرگ»، بر برتری یک زبان (عربی، ترکی و پارسی) و یک فرهنگ بر زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، بر «اصالت» داشتن «خود» نسبت به دیگران، به‌نوعی «برتری طبیعی» و «نژادی» نسبت به دیگران، به بر خورداری از «هنر، ادب و تاریخ بی‌نظیر» و به بر خورداری از «حق تاریخی» برتری نسبت به دیگران سخن می‌گویند...» او با این استدلال کار را تمام شده می‌بیند و بلافاصله پیروزمندان بر بالای عرش نظریه‌ای که به خاک افکنده است، می‌ایستد و شادی می‌کند. حتی برای محکم‌کاری، آنگ سان سوچی را هم به این نظریه الصاق می‌کند. این در حالی است که آشنایی -ولو مختصر- با نوشته‌های دکتر طباطبایی برای زدودن این اتهام و برطرف کردن این همانی کافی است.

تمایز میان ایده ایرانشهری و ناسیونالیسم

اگرچه محور تمام آثار دکتر طباطبایی، تأمل در «مشکل ایران» است - که در قالب ایده ایرانشهری، طرح و تعقیب شده است - اما تمایز بین ایرانشهری و ناسیونالیسم نیز از تأکیدات دائمی ایشان است. به‌منظر دکتر طباطبایی، در ایران و نیز «در بسیاری از کشورها، وحدت ملی تحقق پیدا کرده [است]، اما

گروه فرهنگ: دوسال از درگذشت سید جواد طباطبایی، استاد برجسته اندیشه سیاسی ایران گذشت. در فقدان او اما همچنان بازار بررسی آرای او رونقی ویژه دارد و موافق و مخالف هر یک از دریچه‌ای می‌کشند ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مستتر در آثارش را مورد بررسی قرار دهند. اهمیت این خوانش نقادانه وقتی بیش از پیش خود را آشکار می‌سازد که ایران، آن عزیزترین پدیدار نزد طباطبایی، شرایط پیچیده‌ای را از سر می‌گذراند و بنابراین ضرورتی دوچندان یافته تبدیل کردن آن به «مسئله» تأملی همه‌جانبه با مشارکت تمامی کسانی که دل در گروی آزادی و آبادی میهن دارند. در این صفحه، دو یادداشت در این زمینه با توجه به تحولاتی که در سال‌های اخیر در کشور شکل گرفته و تمرکز بر نسبت ایده ایرانشهری مورد نظر طباطبایی با مقولاتی چون فدرالیسم، فاشیسم و ناسیونالیسم تقدیم خوانندگان خواهد شد.



از نامی تاریخی تا نظر به‌ای سیاسی

بنیان‌گرفتن سیاست از فرهنگ در ایده ایرانشهری به انقلاب محافظه‌کارانه می‌انجامد

تاریخ‌زمانی معنایی پیدامی‌کند که رخدادها تحت نظامی از مفاهیم و مقولات، فهمیده و توضیح داده شود و حاصل چنین بحث علمی نیز دانشی است که پروتوی بر فهم گذشته می‌افکند و ابزارهایی برای فهم زمان حال به‌دست می‌دهد. از این جهت طباطبایی جایی در تاریخ ایران باستان را پیدا کرده است که فکر می‌کند، می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای یک‌جور نظریه‌پردازی سیاسی درباره ایران مورد استفاده قرار بگیرد؛ نقطه عزیمتی تاریخی که بناسنت نقشی اساسی در سامان نظریه سیاسی او بازی کند. طباطبایی در این باره این‌طور می‌نویسد: «نخستین نقش این مقوله آن است که ایران، به‌عنوان «ایرانشهر»، وجه تمایزی میان این کشور و کشورهای دیگر وارد می‌کند و این امکان را به تاریخ‌نویس می‌دهد که بتواند ویژگی‌های آن را در تمایز با آن کشورها توصیف کند. هدف من از وارد کردن این مقوله در بررسی اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک و تفسیر سیاست‌نامه‌ها، او، این بود که پروتوی بر تمایزی که میان نظام گفتاری این رساله و به‌عنوان مثال «شریعت‌نامه‌هایی» مانند احکام السلطانیة ابوالحسن ماوردی بغدادی دارد، بیفکنم».

از این جهت ایرانشهر، مفهومی پایه‌ای است که طباطبایی از آن به‌عنوان معیاری برای هویت‌یابی سیاسی استفاده می‌کند. ایرانشهر در این مقام مختصات ایران در مقام یک هویت سیاسی پایدار است؛ هویت سیاسی پایداری که در سنت مانند بدنی عمل می‌کند که بدون عنایت به پیراهنی که بر تن کرده باشد، باید آن را به‌عنوان اصل مرکزی سامان بخش به هستی اصیل واحد سیاسی بفهمیم. من کاملاً متوجه هستم که استفاده کردن از استعاره بدن ممکن است حیثیت مفهومی مورد نظر طباطبایی برای ایرانشهر را به خوبی حفظ نکرده باشد، اما به ضرورتی مفهومی از این استعاره استفاده کرده‌ام که در بخش بعدی بیشتر درباره آن صحبت خواهیم کرد.

طباطبایی برای اینکه بتواند تداوم ایرانشهر به‌عنوان یک سامانه مفهومی پایدار در تاریخ ایران بعد از ساسانی -مخصوصاً ایران در دوران اسلامی، تا امروز- را نشان دهد، به این مفهوم حیثیت وجودشناختی خالصی اعطا کرده است که در مقام اصلی مستور در پس همه صورت‌های ممکن با واقعی از اندیشه و عمل سیاسی شخصیت‌هایی که ذیل آن قرار می‌گیرند، مشغول عمل کردن است. انگار بگوییم که ایرانشهر نامی است برای خانه‌ای که چهره‌های



حمید ملک‌زاده

پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی

ایرانشهر نامی تاریخی است که در برخی از مطالعات تاریخی پیرامون ایران باستان، به آن اشاره کرده‌اند. نامی که برای تعیین کردن حدود پادشاهی ساسانی و مسائل مربوط به آن، مورد استفاده قرار گرفته است. از این نام معمولاً برای دنبال کردن ردّ تاریخی مجموعه‌ای از آداب فرهنگی و طرح‌واره‌های رفتاری که در طول زمان در محدوده سرزمینی ایرانشهر تداوم پیدا کرده‌اند، استفاده می‌کنند. این موضوعی دامنه‌دار است که در مطالعات تاریخی درباره ایران باستان به تولید ادبیات قابل توجهی دامن زده است؛ ادبیاتی که در همان حوزه خاص از دانش تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. من در این یادداشت بنا ندارم به این وجه تاریخی از موضوع ایران و ایرانشهر بپردازم. آنچه من در این نوشته به آن توجه کرده‌ام، استفاده خاص نظر به‌پردازان سیاسی از این داده‌ها برای تولید یک‌جور نظریه سیاسی «مخصوص ایران» است که به مفاهیمی مانند دولت، مردم و هویت سیاسی مربوط می‌شود؛ چیزی که از آن به‌عنوان «نظریه سیاسی ایرانشهر» یاد می‌کنند و در ابتدای امر با آثاری از سید جواد طباطبایی آغاز شده است.

ایرانشهر؛ مبنای هویت‌یابی سیاسی

در بحثی که طباطبایی برای معرفی کردن فهمی که از «ایرانشهر» دارد ارائه کرده، تأکید می‌کند که «ایرانشهر» مقوله‌ای در تاریخ‌نویسی ایران است و به هیچ‌وجه شعاری در پیکار سیاسی نیست. هر بحثی در این باره نیز تنها می‌تواند علمی و با تکیه بر مستندات تاریخی باشد. هر تاریخ‌نویسی، مبتنی بر نظامی از مفاهیم و مقولات است و تاریخ‌نویس جدید نمی‌تواند تنها به آوردن توصیف رخدادها و شرح احوال شاهان بسنده کند. به این اعتبار، تاریخ، ایدئولوژی پیکار سیاسی و در خدمت پیکار سیاسی نیست که هر فعال سیاسی آن را برای مقاصد و اهداف خود به کار گیرد.